

## تهدیدات جورج بوش، موهبتی برای تمامیت خواهان

### ارژنگ بامشاد

تهدیدات جورج بوش علیه جمهوری اسلامی ایران و فشارهای گسترده مقامات آمریکایی علیه این رژیم، بهانه‌ای بود تا سران رژیم مراسم ۲۲ بهمن امسال را به تظاهراتی علیه این تهدیدات تبدیل کنند. در این مراسم که به گفته رسانه‌ها چندصد هزار نفر شرکت کرده بودند، محمدخاتمی به سخنرانی پرداخت و ضمن تأکید بر پاره‌ای از ارزیابی‌های خود، فشارهای دولت آمریکا را نشانه‌ای از سلطه‌جویی سران آمریکا دانست و تأکید کرد که رژیم اسلامی در مقابل این تهدیدات خواهد ایستاد.

از جنبه‌های مرسوم برخورد به این گونه مراسم و بهره‌برداری‌هایی که جناح‌های رژیم، هر یک از زاویه منافع خود، از آن می‌کنند که بگذریم باید از چند زاویه به مراسم ۲۲ بهمن امسال توجه کرد. اول این استدلال بسیاری از مقامات رژیم که حضور تعداد زیاد شرکت کنندگان در مراسم را به نوعی نشانه‌ی حمایت مردم از نظام اسلامی قلمداد می‌کنند را باید مردود دانست. زیرا در رژیم‌های استبدادی و بویژه استبدادهای ایدئولوژیک، کشاندن مردم به خیابان‌ها کار دشواری نیست. دستورالعمل‌های اداری به نهادها، ارگان‌ها، ادارات، مدارس، کارخانه‌ها و دیگر مراکز، برای شرکت در راهپیمایی امری نیست که بتوان بطور علنی آن را نادیده گرفت. بنابراین در کشوری که یک استبداد مذهبی سیاه بر آن حکومت می‌کند، و حضور مردم، حضوری داوطلبانه نیست، کشاندن عده کثیری به یک مراسم، آن هم وقتی که هر دو جناح رژیم بر سر آن توافق داشته باشند، امری است ممکن و تجربه شده. اما همین مردم که مجبور به شرکت در چنین راهپیمایی‌های می‌شوند، وقتی بطور گسترده به پای صندوق‌های رأی می‌روند، در موقع دادن رأی که بصورت مخفی انجام می‌گیرد، نفرت خود را از رژیم اسلامی بیان می‌کنند. کاری که در چند سال گذشته به شکل درخشانی به کار گرفته‌اند.

دوم، مراسم امسال بویژه پس از تهدیدات جورج بوش، زمینه‌ای بوجود آورد تا هر دو جناح رژیم، شرکت در مراسم را مورد حمایت قرار داده و از تمامی اهرم‌های خود برای کشاندن مردم بهره‌جویند. سخنان بسیاری از مقامات رژیم اسلامی و شباهت موضع‌گیری‌های‌شان علیه دولت آمریکا، و ابراز هم‌دلی و همبستگی جناح‌ها در مقابل این تهدیدات، که سرمقاله نویسن روزنامه‌ی «رسالت» در شماره‌ی پنج‌شنبه ۲۵ بهمن ۸۰، از آن به وجد آمده، نشان‌دهنده آن است که مواضع دولت آمریکا علیه رژیم اسلامی، وقتی از مرحله خاصی فراتر رفته و خصلت تهدیدآمیزتری به خود بگیرد، عملاً به تقویت مواضع این رژیم و بویژه جناح حاکم آن منجر خواهد شد. بی‌جهت نیست که در روزهای اخیر پس از تهدیدات آمریکا، مواضع سخن‌گویان جناح تمامیت‌خواه هر روز بیش از روز پیش تندتر و تحریک‌آمیزتر می‌شود و نیروهای اصلاح‌طلب نیز نمی‌توانند در مقابل این موج تهدیدات و تحریکات متقابل مقاومت مؤثری را سازمان دهند. بهانه‌ی تهدیدات آمریکا هم‌چنین باعث شده است که بسیاری از نظامیان و پاسداران رژیم مجدداً به جلو صحنه آمده و عرصه سیاست کشور را به سمت بسیج افکار عمومی برای درگیری‌های نظامی آماده سازند و روزنامه‌های تمامیت‌خواهان نیز از ضرورت تقویت بنیه‌های «رزمی و نظامی» سخن به میان آورند. امری که فضای سیاسی کشور به سمت سرکوب‌گریان‌تر به پیش خواهد برد.

سیاست فشار بر رژیم اسلامی از سوی دولت جورج بوش که به شکل حادی مطرح می‌شود و یا جنبه‌های عملی نیز به خود می‌گیرد، به تقویت مواضع تمامیت‌خواهان کمک خواهد و آن‌ها این تهدیدات را، هم نشانه‌ی مواضع به اصطلاح ضدامپریالیستی خود تلقی خواهند کرد و هم از آن برای تشدید سرکوب مبارزات مردم بهره خواهند جست و هر نوع مخالفت با رژیم را به بهانه‌ی هم‌سوئی با آمریکا در هم خواهند شکست. از این زاویه می‌توان گفت آن‌هایی که تهدیدات آمریکا علیه رژیم اسلامی را به فال نیک گرفته‌اند و یا برای عملی شدن این تهدیدات روزشماری می‌کنند، تا از این نمد برای‌شان کلاهی دوخته شود، نمی‌دانند که این سیاست سلطه‌جویانه‌ی آمریکا، عملاً به تقویت هرچه بیشتر تمامیت‌خواهان رژیم اسلامی منجر خواهد شد و عمر این رژیم را طولانی‌تر خواهد کرد. و چنین وضعیتی، جنبش نوپای مردم ایران را زیر فشارهای شدیدی قرار خواهد داد.